

دسترسی متهم به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی در نظام حقوقی ایران و فرانسه

سید علیرضا میرکمالی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

چکیده

تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهمین از موجبات دادرسی عادلانه و منصفانه است. از جمله مهم‌ترین این حقوق حق داشتن وکیل در فرایند کیفری است. حضور وکیل در این فرایند اهمیت والایی دارد؛ زیرا از یک سو، به‌عنوان یاور دادرس شناخته می‌شود و از سوی دیگر در اجرای عدالت و تأمین حقوق متهم نیز سودمند است. این حقوق کم و بیش به یک اندازه در قوانین موضوعه ایران و فرانسه ذکر شده‌اند. رعایت حقوق دفاعی متهم خصوصاً دسترسی متهم به وکیل در فرایند دادرسی کیفری به‌ویژه در مرحله پیش‌دادرسی اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا، در این مرحله، بنیان‌های پرونده در راستای تحقق عدالت کیفری شکل می‌گیرد. حق داشتن وکیل به‌صراحت در اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر شده است. در همین راستا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در برای حفظ حقوق متهم و تضمین آن حضور وکیل در مرحله دادرسی ضروری دانسته و سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم موجب مجازات انتظامی است که این امر تحولی نسبت به قانون سابق محسوب می‌گردد، لیکن عدم نظارت مؤثر یا فقدان ضمانت اجرای کارآمد درخصوص حق مذکور متهم چالش اصلی این موجود است. در این پژوهش موضوع دسترسی متهم به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و به شکل تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه مطالعه شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان:

پیش‌دادرسی، حقوق دفاعی متهم، وکیل، حق داشتن وکیل.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

توجه به حقوق متهم و جامعه، پیوسته باید مد نظر حاکمیت باشد. اما در دوره‌هایی از تاریخ، گاهی فقط تأمین منافع متهم و گاهی تنها حفظ مصالح اجتماع موردتوجه قرار گرفته است. درحالی‌که تأمین حقوق متهم و برخورداری وی از دادرسی عادلانه هم‌زمان با رعایت مصالح اجتماعی دست‌یافتنی است.

قانون‌گذار ایران در راستای رسیدن به این هدف، کوشیده است با شناسایی معیارهای دادرسی منصفانه، به منظور حمایت از منافع متهم و جامعه، گام‌های اساسی و مهمی بردارد. از این رو، حقوق دفاعی متهم را به‌عنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه ابتدا در قانون اساسی و سپس در قانون آیین دادرسی کیفری آورده است. حقوق دفاعی متهم در اصول ۳۸، ۳۷، ۳۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده تا متهم بتواند فعالانه در راستای رد اتهامی که متوجه وی شده است، اقدام نماید. قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری با به‌کارگیری الگوهای دادرسی عادلانه و با هدف تأمین امکانات برابر برای طرفین دعوا، تحولاتی را از ابتدای فرایند کیفری (مرحله دادرسی) به منظور به‌کارگیری و حفظ حقوق متهم پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به‌عنوان متهم احضار یا جلب کرد؛ به‌عنوان اصلی بنیادین که می‌تواند از یک سو زیر سایه آن احساس آرامش کنند و خود را از هرگونه تعقیب و احضار ناصواب مصون دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از یک وکیل به دفاع از خود بپردازد. حضور وکیل در فرایند دادرسی کیفری، آن‌چنان پراهمیت است که سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم و بزه‌دیده گنجانده‌اند.^۱

دسترسی داشتن متهم به وکیل در دادرسی کیفری، به‌ویژه در مرحله دادرسی، اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا در این مرحله است که اساس پرونده پایه‌ریزی می‌شود. در حال حاضر اغلب شکایات مربوط به نقض حقوق شهروندی و حقوق دفاعی متهم مربوط به مرحله دادرسی است که رأساً در جرایم مشهود یا با دستور قضات دادرسی توسط ضابطین انجام می‌پذیرد. در قانون آیین دادرسی

۱. نیازپور، امیرحسن، **سیاست جنایی بین‌المللی در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرایند کیفری**، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۱، ۱۳۸۹، شماره ۴۷، ص ۲۳۸.

دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ از بسیاری از حقوق اولیه متهم ذکری به میان نیامده بود و با حاکمیت مطلق سیستم تفتیشی بر دادرسرا، دادرسرا کاملاً محرمانه و غیرعلنی و بدون حق مداخله وکیل انجام می‌شد و حق سکوت متهم نیز به مانند بسیاری از حقوق دفاعی وی در حاله‌ای از ابهام بود. اما با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ تحولات چشمگیری در زمینه حقوق دفاعی متهم ایجاد شد. حقوق متهم که در قانون سابق ذکر نگردیده بود، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفت و برخی محدودیت‌ها در این زمینه رفع گردید و ضمانت‌اجراهای مختلف، اعم از کیفری، مدنی و انتظامی برای صیانت از حقوق مذکور در نظر گرفته شد.

حق داشتن وکیل به‌صراحت در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است. مطابق این اصل، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز در ماده ۱۹۰ حضور وکیل در مرحله دادرسرا را برای حفظ حقوق متهم و تضمین آن ضروری دانسته است و مطابق تبصره یک آن، سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم موجب مجازات انتظامی است که این امر نقطه مثبتی نسبت به قانون قبل به حساب می‌آید. اما این مقرر از ضمانت‌اجرای کافی و کارآمدی برخوردار نیست که در این پژوهش درخصوص حق مذکور متهم و چالش آن بررسی می‌شود. به همین منظور، با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی، ابتدا مفهوم «حقوق دفاعی متهم» مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سپس به مبانی بحث مانند اصل برائت، تساوی سلاح‌ها، تسریع رسیدگی و در آخر هم به حق برخورداری متهم از وکیل در مرحله دادرسرا با رویکرد تطبیقی پرداخته می‌شود. ارائه این بحث به شکل تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی اخیر، تا حدود زیادی از آنها الهام گرفته است.

۱. پیش‌دادرسی و حقوق دفاعی متهم

یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند کیفری مرحله پیش‌دادرسی یا همان دادرسرا است که بخش مهم و مبنای شکل‌گیری این فرایند است. حقوق دفاعی متهم به معنای برخورداری متهم از

امکانات و حمایت‌های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است. در زیر به تشریح این مفاهیم پرداخته می‌شود.

۱.۱. پیش‌دادرسی

بنیادی‌ترین مؤلفه دادرسی عادلانه، رعایت حقوق دفاعی متهم در طول دادرسی، به‌ویژه تحت نظر قرارگرفتن متهم در مرحله دادرسی است. دادرسی اساسی‌ترین مرحله تشکیل پرونده کیفری و به عبارت دیگر، سنگ‌بنای اولیه آن است که در آن اولین برخورد نظام عدالت کیفری با متهم توسط ضابطین و قضات تحقیق صورت می‌پذیرد. سرنوشت متهم پرونده و وضعیت احقاق حقوق بزه‌دیده و جامعه تا حدود زیادی در این مرحله رقم می‌خورد؛ چراکه اغلب تصمیمات و آرای دادگاه‌ها نیز براساس همان تحقیقات، گزارش‌ها و مستندات اولیه پرونده اتخاذ می‌گردد. بازجویی سریع، دقیق و علمی از متهم در ساعات اولیه پس از ارتکاب جرم که به قاعده طلایی در دادرسی موسوم است، نقش ویژه‌ای در کشف حقیقت و تحقق عدالت کیفری دارد. به همان میزان نیز در سنجش میزان رعایت حقوق دفاعی متهم بر مبنای اصول دادرسی منصفانه، تساوی سلاح برائت و کرامت نقش ایفا می‌کند. با توجه به اینکه عمده تحقیقات اولیه پرونده‌ها از سوی ضابطین صورت می‌گیرد، رعایت حقوق دفاعی متهم و انجام تحقیقات و اقدامات تعقیبی ضابطه‌مند از سوی ضابطین نقش حیاتی در اعتبار تحقیقات و منصفانه بودن دادرسی دارد.

تحقیقات اولیه که در مرحله دادرسی انجام می‌شود، زیربنای فرایند کیفری را تشکیل می‌دهد. این موضوع مشهور به تحقیقات مقدماتی و دارای مفهوم عام و خاص است. تحقیقات مقدماتی در معنای خاص کلیه اقداماتی است که در دادرسی توسط دادستان یا بازپرس برای تعقیب متهم، کشف و حفظ آثار جرم، جمع‌آوری به نفع یا به ضرر متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم و تحقیق و بازجویی از وی و اتخاذ تصمیم و اظهارنظر نهایی راجع به متهم مبنی بر توجه یا عدم توجه اتهام صورت می‌پذیرد.^۱ تحقیقات مقدماتی مرحله‌ای است که در آن یک قاضی که او را مستنطق، بازپرس یا قاضی تحقیق می‌گویند، وارد عمل می‌شود و سه دسته عمل قضایی به شرح ذیل انجام می‌دهد: الف) جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم؛ ب) جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم؛ ج) اظهارنظر در خصوص مجرمانه‌بودن عمل انتسابی، وجود یا فقدان

۱. طهماسبی، جواد، *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶، ص ۱۸۵.

دلایل کافی علیه متهم.^۱ بدین ترتیب باید ببینیم متهم در مراحل فوق تا چه میزان از حق دسترسی به وکیل برخوردار است.

مطابق ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲: تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن متهم انجام می‌شود. قانون‌گذار مفهوم خاص تحقیقات مقدماتی را بیان کرده است. در واقع، مطابق نظر قانون‌گذار، تحقیقات مقدماتی از زمانی شروع می‌شود که پرونده حسب درخواست مقام تعقیب به بازپرس ارجاع می‌شود و اقداماتی نظیر حفظ آثار جرم، جمع‌آوری ادله له یا علیه متهم، تحقیق و بازجویی از وی و اتخاذ تصمیم احتیاطی برای جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن و اظهار نظر قضایی و صدور قرارهای نهایی راجع به متهم را در برمی‌گیرد. در حالی که اگر منظور از تحقیقات مقدماتی کلیه اقدامات مقدم بر رسیدگی دادگاه که در مراجع انتظامی و دادسرا در راستای کشف، تحقیق و تعقیب جرائم انجام می‌گیرد، باشد، با مفهوم عام تحقیقات مقدماتی روبرو هستیم. این مفهوم مورد نظر ما در این تحقیق است.

۱.۲. حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم که امروزه به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی مطرح و حمایت می‌شود، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است، متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند.^۲ حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه منظور گردیده است.^۳ حق دفاع متهم راه‌های قانونی برای

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۰، صص ۴۵ و ۴۶.

۲. امید، جلیل و محمد آشوری، *حقوق دفاعی متهم*، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳، صص ۲۲۵.

۳. آشوری، محمد، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۶، صص ۱۴۴.

جلوگیری از اثبات مجرمیت وی در کلیه مراحل فرایند کیفری اطلاق می‌گردد. حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقرره‌های بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی نیز، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در قانون آیین دادرسی کیفری تضمین شده است.^۱

در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می‌شود، منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره‌های اخلاقی قرار نمی‌گیرد، بلکه مراد بررسی بهره‌مندی متهم از حق‌ها و تضمین‌های مقرر شده برای وی در جریان دادرسی است. بنابراین حقوق دفاعی، زیر مفهوم حق داشتن قرار می‌گیرد، نه زیر مفهوم حق بودن؛^۲ به بیان ساده‌تر حقوق دفاعی متهم به معنای برخورداری متهم از برخی امکانات، امتیازها، حمایت‌ها و تضمین‌های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است. یکی از مهم‌ترین این حقوق حق برخورداری متهم از وکیل است که در زیر به آن پرداخته می‌شود.

۲. مبانی حق برخورداری از وکیل

در ارزیابی فرایند عدالت کیفری سؤال آن است که منافع چه کسانی در اولویت سیاست‌های تقنینی و قضایی قرار می‌گیرد. چنانچه نظام‌های عدالت کیفری در پی برقراری عدالت به معنای واقعی آن باشند، منافع عموم شهروندان دغدغه اصلی در فرایند کیفری خواهد بود. اما در صورتی که در پی خدمت به حکومت‌ها باشند و امنیت و استمرار آنها را هدف خود بدانند، اولویت‌های نظام سیاسی حاکم را در صدر برنامه‌های رسیدگی کیفری قرار می‌دهند، هر چند موازین دادرسی عادلانه نفی گردد.^۳ به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنایی با پیروی از آموزه‌های حقوق بشری، جرم‌شناسانه و بزه‌دیده‌شناسانه، حق این دو کنشگر (بزه‌دیده و متهم) در بهره‌مندی

۱. علی‌اکبری، رستم، پدram کرمی و مجتبی کنجوری، *بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری*، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۴، ص ۱۱.

۲. فرح بخش، مجتبی، *مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم*، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۶ و ۵۷.

۳. قیانچی، حسام و حمید رضا دانش ناری، *الگوهای دو گانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه*، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹.

از وکیل را در سراسر فرایند کیفری را به رسمیت شناخته‌اند، تا در پرتو آن بزه‌دیدگان و متهمان، بتوانند از حقوق خود در پهنه عدالت کیفری دفاع نمایند.^۱

با مذاقه در دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، همچون مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس، اصول اساسی نقش وکلا و نیز ملاحظه اسناد منطقه‌ای مشابه خصوصاً کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، این نکته مهم احراز می‌شود که در بررسی لزوم حق برخورداری از وکیل، به حقوق متهم بیشتر توجه شده است و حفظ حقوق جامعه در مرحله دوم قرار دارد.^۲ مهم‌ترین معیار تضمین حق دفاع متهم پیش‌بینی حق انتخاب وکیل برای وی در قوانین کیفری است.^۳ به همین جهت تضمین حقوقی دفاعی متهم واجد اهمیت فراوانی است و با پذیرش حضور وکیل، چه از طرف متهم و چه از طرف بزه‌دیده، به این امر نه تنها به‌عنوان یک حق می‌نگرد، بلکه آن را در زمره اصول دادرسی منصفانه می‌انگارد. نقش وکیل را می‌توان به‌عنوان یاور دادرس در امر دادرسی دانست. علاوه بر این، حضور او در جریان فرایند کیفری در اجرای عدالت نیز سودمند است و در کانون اصلی توجه اسناد مختلف حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) قرار دارد.^۴ مبانی‌ای که از سوی طرف‌داران این الگو به‌عنوان مبانی حق بهره‌مندی از وکیل ارائه شده است، به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. اصل برائت

تاریخچه اصلی و قدیمی اصل برائت را باید در سفارشات ائمه معصومین (ع) جست‌وجو نمود که همواره تأکید بر اصل بی‌گناهی انسان‌ها داشته‌اند.^۵ روایات موجود درباره امام علی (ع)، بیانگر

۱. هاشمی، سید محمد، «بررسی انصاف و عدالت از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی»، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، جلد ۱، تهران: نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴.

۲. اسماعیلیان، شاپور، استقلال وکیل شرط محاکمه عادلانه، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، ۱۳۸۶، شماره ۱۲، ص ۱۹.

۳. گلدوست جویباری، رجب، آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر جنگل، ۱۴۰۱، ص ۱۱۲.

۴. شفیع‌زاده، توحید، «مطالعه الگوهای دوگانه عدالت کیفری هربرت پارکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن الگوها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۴۰.

۵. در متون فقهی، برخی این اصل را مبتنی بر اصل عدم دانسته‌اند. اصل عدم به‌عنوان یک اصل عقلی فرض را بر عدم تحقق وقایع می‌داند. شباهت بین اصل عدم و اصل برائت به قدری زیاد است که گویی یک اصل واحدند؛ زیرا بر

حاکمیت این اصل بنیادین در سیره ایشان هستند. ایشان می‌فرمایند: «انی لا اخذ علی التهمه و لا اعاقب علی الظن»؛ من به‌خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی‌کنم.^۱ اصل برائت در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد. زمانی که اصول فقه به‌عنوان یک رشته علمی مستقل، تدوین نیافته بود، قواعد و مقررات اصل برائت در میان آیات و روایات قرآن وجود داشت. البته لازم به ذکر است که اصل برائت از قواعد فقهی است، اما چون مدرک استنباط حکم شرعی در مجاری خود قرار می‌گیرد، فلذا در علم اصول مطرح شده است.^۲ اصل برائت یا فرض بی‌گناهی متهم دارای آثار متعددی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است؛ از جمله، تکلیف مدعی‌العموم یا شاکی به ارائه دلیل اتهام، منع توسل به روش‌های غیرقانونی برای تحصیل دلیل، تفسیر شک به نفع متهم و ممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن و گمان، تفهیم فوری نوع و علت اتهام، خودداری از پیش‌داوری در مورد متهم، حق داشتن وکیل مدافع و تأمین امکانات دفاعی لازم برای متهم.^۳ اصل برائت یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه‌ای طولانی است و به طور کلی بیانگر این مهم است که متهم تکلیفی در ارائه دلیل بر بی‌گناهی خود ندارد که موجب علم و اقناع وجدان قاضی شود.^۴ مطابق این اصل، مقام تعقیب‌کننده، یعنی دادستان، باید نزد دادگاه بی‌طرف، ارکان جرم را به اثبات برساند و دلایل کافی علیه متهم درخصوص عنصر معنوی جرم ارائه نماید؛ چراکه اصل بر بی‌گناهی متهم، و اثبات گناهکاری وی بر عهده مقام تعقیب‌کننده است.^۵

در جریان کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمان ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و مورد اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و مقامات مسئول با تردید مواجه شوند. در چنین حالتی حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است، دور از انصاف خواهد بود. به همین دلیل، برای تعیین مسئولیت متهم، تا زمانی که شک و

→ اساس اصل عدم، اصل عدم چیزی است مگر آنکه وجودش ثابت شود (به نقل از آخوندی، محمود، *شناسایی*

آیین ادرسی کیفری، دفتر هفتم، تهران: نشر دوران‌نیشان، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵.

۱. *تاریخ الطبری*: جلد ۵، ص ۱۳۱.

۲. محقق داماد، سید مصطفی، *اصول فقه*، تهران: نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۶۷.

۳. رحیمی نژاد اسماعیل، *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹.

۴. آشوری، محمد، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰.

۵. قنبری، حمیرا، «اصل برائت و اماره مجرمیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳.

تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد، به اصل براءت متوسل می‌شوند.^۱ براساس این اصل، هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه اتهام او در دادگاه ثابت شود. امروزه این اصل مهم، مورد توجه همه نظام‌های حقوقی ملی و فراملی قرار گرفته است. از جمله در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. بر اساس بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه فرض خواهد شد تا اینکه در جریان یک دادرسی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و تقصیر او به نحو قانونی اثبات گردد. همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۲ هرکس به اتهام جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض^۳ شود تا اینکه مقصودن او طبق قانون محرز شود. امروزه، هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی، اعم از کشورهای پیرو سیستم کامن‌لا و سایر کشورها خود را بی‌نیاز از اصل براءت نمی‌دانند.^۴

توجه به این نکته ضروری است که از لحاظ آیین دادرسی کیفری، به‌ویژه در امور کیفری، پذیرش اصل براءت از یک سو تکالیفی را برای مقامات قضایی یک کشور و حتی مقامات دولتی آن ایجاد می‌کند و از سوی دیگر متهم را در شرایط مساعدی قرار می‌دهد و او را از امتیازاتی برخوردار می‌کند.^۵ ازجمله این امتیازات می‌توان به حق دفاع متهم اشاره کرد. به عبارت دیگر حق دفاع متهم از مهم‌ترین آثار اصل براءت محسوب می‌شود. وقتی دستگاه قضایی درصدد اثبات اتهام فرد و زیرسؤال بردن فرض براءت و بی‌گناهی اوست، حق دفاع مهم‌ترین ابزار برای تضمین این اصل و دفاع از آن خواهد بود. همان طوری که می‌دانیم، حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل از الزامات حقوق دفاعی متهم به شمار می‌رود. وکیل با حضور در مراحل دادرسی با تأکید بر اصل

۱. هاشمی، پیشین، ص ۱۸۷.

2. Every one charged with a criminal offence shall be presumed innocent until proven guilty according to the law.

3. Presumed innocent

۴. خزانی، منوچهر، *فرآیند کیفری*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹.

۵. آشوری، محمد، *بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران: نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.

مذکور و رعایت آزادی متهم، تا زمان اثبات توجه اتهام به متهم و آن‌هم ارائه دلایل متقن، می‌تواند نقش بسزایی در دفاع از موکل به عمل آورد.^۱

در قانون آیین دادرسی کیفری سابق این اصل به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته بود، اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقنن در فصل اول این قانون، اصول اساسی حاکم بر آیین دادرسی کیفری را بیان نموده و در ماده ۴ به اصل برائت صراحتاً اشاره کرده است که فی‌الواقع این ماده ناظر بر جنبه قضایی اصل برائت است.

اصول قانون اساسی درخصوص اصل برائت بیشتر حقوق متهمان و تشکیل دادگاه‌های صالح برای اثبات مجرمیت را مد نظر داشته است؛ درحالی‌که ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پس از بیان اینکه اصل برائت است، بر ضرورت حفظ آزادی‌های فردی و حریم خصوصی افراد با عنایت به کرامت انسانی شهروندان، توسط مقامات قضایی تأکید ورزیده است. بدیهی است که این اصول و قواعد را باید مکمل یکدیگر تلقی نمود.^۲

با توجه به اینکه این اصل مهم و راهبردی در اصل ۳۷ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است، هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد و با لحاظ آثار بسیار مهم و مثبتی که اصل برائت دارد، باید از سوی تمامی ارگان‌ها مورد احترام قرار گیرد. بنابراین احترام به این اصل تنها وظیفه نهادهای قضایی نیست، بلکه شامل نیروی انتظامی و ضابطان دادگستری نیز می‌شود.

۲.۲. اصل تساوی سلاح‌ها

حقوق و آزادی‌های فردی، در برابری انسان‌ها تجلی پیدا می‌کند. به همین دلیل برابری از اصول حقوق عمومی محسوب شده است. همه مردم صرف‌نظر از جنس، نژاد، طبقه، مذهب، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف یکسان و مساوی برخوردار باشند. مراد از برابری، این است که همه افراد در استفاده از موهبت‌ها، نعمت‌ها و مزیت‌های اجتماعی یکسان‌اند و وظیفه

۱. شاملو، باقر، *اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی*، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸.

۲. آشوری، محمد و روح اله سپهری، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶، ص ۲۸.

قانون‌گذار در هر جامعه این است که امکانات و تسهیلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به‌طور یکسان در اختیار همه افراد دهد.^۱

اصل تساوی سلاح‌ها، برابری میان دادستان و متهم، مهم‌ترین معیار تضمین دادرسی عادلانه است. برای مثال، اگر دادستان در یک رسیدگی تجدیدنظر حاضر است، اما متهم از حضور در آن محروم، یا آنکه یک کارشناس دادگاه آن‌چنان موضع محکمی بگیرد که در واقع نقش یک شاهد را برای دادستان ایفا کند، این اصل نقض شده است. از این اصل به این دلایل به اصل تساوی سلاح‌ها یاد می‌شود. این اصل نظام قضایی را به تأمین موقعیت برابر طرفین ملزم می‌کند. لیکن دو برداشت متفاوت از برابری طرفین وجود دارد. اولین برداشت که طی سالیان از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده، متضمن این است که متهم نباید در یک موقعیت شکلی نامساعد نسبت به دادستان قرار گیرد. در این معنا این اصل تنها نسبت به متهم اعمال می‌گردد. به تعبیری، معاهدات حقوق بشری به دادستان حق هم‌پایه‌شدن با متهم را نمی‌دهد. از طرفی معاهدات حقوق بشری منع نمی‌کند که متهم در وضعیت مساعدی نسبت به دادستان قرار گیرد.^۲ یعنی در فرایند دادرسی کیفری، مقام تعقیب به دلیل حیثیت عمومی دعوا و به اعتبار ادعای نقض نظم عمومی توسط متهم علیه وی اقامه دعوا می‌کند. بدیهی است چنین مقامی از اقتدار خاصی برخوردار است و متهم در برابر وی دارای چنین امکاناتی نیست. در واقع، مطابق اصل تساوی سلاح‌ها، تعیین وکیل در امور جزایی اغلب برای دفاع از متهم در مقابل دادستانی است که به نمایندگی جامعه در مقام کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و تعقیب و دستگیری متهم برآمده و مجازات او را از لحاظ جنبه عمومی جرم برای حفظ نظم اجتماعی یا تسکین و رضای زیان‌دیده از جرم از دادگاه تقاضا می‌کند. در این صورت وکیل دادگستری با آشنایی به قوانین، دفاع از متهم را بر عهده می‌گیرد تا موازنه بین دادستان و متهم برقرار شود و دادگاه بر مبنای عدالت رسیدگی کند.

۱. مصباحی، کمال‌الدین، «حق بهره‌مندی از وکیل با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو اسناد حقوق بشری و مقایسه با حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۵۰.
 ۲. فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۲۷.

دومین برداشت برابری طرفین را یک جزء اساسی ساختار توافقی دادرسی است که بر مفهوم محاکمه به‌عنوان نزاعی بین دو طرف استوار است. طبق این رویکرد، برای هر دو طرف دادرسی داشتن حقوق مساوی اجتناب‌ناپذیر است، در غیر این صورت مبارزه منصفانه‌ای بین دو معارض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهند شد. پس این اصل دوطرفه است و دادستان نیز حق دارد در موضع نامساعدی، در مقایسه با متهم قرار نگیرد. درحالی‌که در یک سیستم تفتیشی نیاز به برابری امکانات میان متهم و دادستان مهم است.^۱

می‌توان گفت که مهم‌ترین تعبیر از برابری اصحاب دعوا، برابری در ابزار و امکانات میان آنها است؛ زیرا وکیل با دانش حقوقی خود می‌تواند مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم است به قاضی اعلام و قسمت‌های تاریک پرونده را روشن کند؛ زیرا به عقیده اکثر قریب به اتفاق علمای اجتماعی و مذهبی، اگر مجرمی تبرئه شود، بهتر است تا اینکه بی‌گناهی محکوم گردد.^۲

با توجه به مراتب فوق اصل مذکور معتبرترین نظریه ارائه شده در زمینه حق بهره‌مندی از وکیل است که با تشبیه تقابل متهم و مقام تعقیب به طرف‌های مبارزه و لزوم در اختیار داشتن امکانات دفاعی مساوی، سعی بر حفظ حقوق متهم از طریق برخورداری از مساعدت وکیل شده است.

۲.۳. تسریع در دادرسی

این سخن «تأخیر عدالت، انکار عدالت است»، بیانگر یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه، یعنی تسریع در دادرسی، است. برخورداری متهم از اصل برائت تنها در صورتی منطقی و مناسب است که تا حد امکان به سرعت بی‌گناه یا مجرم‌بودنش احراز شود. اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری‌ترین شروط یک نظام قضایی مناسب است که در جوامع مورد وفاق عمومی است. «سیستم قضایی باید بی‌گناه را بدون تأخیر حمایت کند، همان‌گونه که باید مجازات مجرمان را هم بدون تأخیر صادر کند».^۳

۱. پاک‌نیت، مصطفی، «جلوه‌های رفتار منصفانه نسبت به بزه دیده در مقررات دادرسی کیفری ایران و سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۸۳.

۲. علیزاده طباطبایی، سید محمود، **ترازوی عدالت با وکیل میزان می‌شود**، روزنامه شرق، ۱۳۸۵، ص ۵.

۳. فضائلی، مصطفی، پیشین، ص ۳۳۶.

حق محاکمه متهم در مدت‌زمانی معقول، بدون توجه به بازداشت یا آزاد بودن او، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به‌صراحت آمده است. بسیاری دیگر نیز از بازداشت متهم و حق محاکمه سریع در کنار هم سخن گفته‌اند. بعضی هم حق محاکمه سریع را تنها نسبت به اشخاص بازداشتی مطرح کرده‌اند. این اصل در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر وارد شده است و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۶ این شرط را برای همه محاکمات لازم شمرده است و بیان می‌دارد: «هر شخصی حق دارد به دعوی او در مدت‌زمان معقول رسیدگی شود». علاوه بر این، در اغلب مقررات بین‌المللی سریع‌بودن و منصفانه‌بودن در کنار هم به‌کاررفته است. این نشان‌دهنده آن است که در دادرسی، سرعت اهمیت زیادی دارد و بدون آن دادرسی منصفانه نخواهد بود. این اصل برای تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین‌کننده دارد؛ زیرا تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست‌دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد. به‌علاوه سرعت محاکمه، فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند. اهمیت این حق به‌ویژه در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می‌برد، دوچندان می‌شود.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی تسریع در فرایند کیفری را به‌منزله یکی از جلوه‌های حمایت از «حقوق کنشگران دعوی کیفری» و از مصادیق حقوق بشری پیش‌بینی کرده‌اند؛ درحالی‌که تدبیر آنان از زاویه پیشگیری از بزهکاری نیز قابل توجه است. بنابراین سرعت‌بخشی به فرایند کیفری اگرچه از زاویه حقوق بشری و سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار، موجب عادلانه‌شدن دادرسی را فراهم می‌کند، از منظر آموزه‌های پیشگیری واکنشی، سازوکار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می‌رود. بدین‌سان، سرعت‌بخشی به فرایند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوی کیفری، سرعت متناسب و توجه به موازین حقوق بشر، می‌تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری پیشگیرانه را به وجود آورد.^۱

درواقع، تسریع در رسیدگی به جرم و صدور تصمیم نهایی و اجرای آن مورد انتظار عموم افراد جامعه و به نفع جامعه است؛ زیرا تعقیب کیفری بزهکار و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از بین می‌برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند. درواقع این روش به سودمندی مجازات‌ها از طریق ارعاب و عبرت به

۱. نیازپور، پیشین، ص ۲۶۵.

کیفیتی مؤثر تحقق می‌بخشد. درحالی‌که تأخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفری افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بی‌اعتماد می‌کند و خصوصاً در افزایش جرائم نیز بی‌اثر می‌ماند.

«سرعت» در رسیدگی کیفری و جمع‌آوری دلایل و مدارک له و علیه متهم مسئله بدیع و تازه‌ای نیست و در طول تاریخ کارشناسان کیفری همواره بر آن تأکید داشته و دارند. ولی منظور شتاب و عجله در کار قضاوت نیست؛ زیرا کار قضایی نیاز به دقت و تعمق وافر دارد و اشتباه ناشی از بی‌توجهی، به علت سرعت، آثار زیان‌باری در بر خواهد داشت. بلکه منظور از تسریع این است که تا حد امکان دادرسی گام سریعی بدون اینکه به حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع و دسترسی به وکیل و دادگاه صالح، صدمه وارد آید، برداشته شود. لیکن شتاب‌زدگی در امر قضاوت، اجرای عدالت را مخدوش خواهد ساخت. چون دادرسی کیفری دارای مسائل دقیق و دشواری است که احاطه بر آنها برای اشخاص غیرحقوق‌دان به‌آسانی و سرعت میسر نمی‌شود. احاطه به شیوه تنظیم دادخواست، شکایات و لوائح، انتخاب اسناد و سایر ادله، زمان و طریق ارائه ادله و استناد به آنها، ارائه دفاعیات و همچنین اقدامات لازم به ترتیب و طریق و در مهلتی که قانون پیش‌بینی می‌کند، لازمه اثبات و احقاق حق در دادرسی است. و هر دعوا و شکایتی یا دفاعی که بدون رعایت آنها مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد دادرسی کیفری را به درازا می‌کشاند و هزینه زیادی بر خزانه عمومی و مدعی خصوصی تحمیل می‌نماید. مضافاً می‌تواند موجب شود حقی که در ماهیت و در حالت ثبوتی وجود دارد، اثبات و احقاق نشود و در نتیجه شخص بی‌حقی در دعوا پیروز و متهم بی‌گناه گناهکار می‌شود. بنابراین حضور وکیل می‌تواند از این نتایج نامعقول جلوگیری کند.

۳. حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی

در جوامع امروزی به دلیل وجود قوانین متنوع، اطلاع از همه قوانین موضوعه کاری دشوار است. این موضوع در کشورهای درحال توسعه که قوانین آنها از شفافیت کمتری برخوردار است و شهروندان از سطح اطلاعات حقوقی، پایینی برخوردارند، بیشتر جلوه می‌کند. از این‌رو، نمی‌توان همواره مطمئن بود که متهمان وکلای مدافع خوبی برای خود باشند و منطبق با موازین حقوقی از خود دفاع کنند. آنچه مسلم است اینکه به علت پیچ و

خیم‌های دادرسی و تخصصی و فنی‌بودن علم حقوق و آیین دادرسی کیفری اشخاصی که با تکنیک‌های حقوق کافی نداشته باشند، ممکن است مرتکب اشتباهات قضایی مؤثر شوند.^۱

در قوانین داخلی، در بند ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، بیان شده است: محاکم و دادسراها فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای طرفین دعوی فراهم کنند. از این بند چنین برمی‌آید که حق استفاده از وکیل در تمام مراحل دادرسی مجاز است و شامل مراحل دادسرا و رسیدگی در محاکم می‌شود. بنابراین مطابق قانون «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/ ۲/ ۱۳۸۳» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/ ۳/ ۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».^۲

یکی از نوآوری‌های قانون جدید این است که متهم در مرحله دادسرا می‌تواند از محتویات پرونده آگاهی داشته باشد و آن را مطالعه کند که موجب تضمین حقوق دفاعی متهم می‌شود؛ زیرا زمانی که متهم از پرونده‌ای که در جریان تحقیق است آگاهی داشته باشد، بهتر می‌تواند از خود دفاع کند. اما بر اساس قانون، چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.^۳

در گذشته، حق داشتن وکیل در مرحله پیش‌دادرسی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر مورد تردید بود. اما امروزه این حق در بسیاری کشورها از جمله ایران پذیرفته شده است. متهم حق داشتن وکیل در مرحله دادسرا و رسیدگی در دادگاه را دارد. قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ قانون

۱. آشوری و سپهری، پیشین، ص ۵۶.

۲. ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی سال ۱۳۹۴.

۳. ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲.

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار داشتن وکیل در «مرحله تحقیقات مقدماتی» را مطرح کرده است. وکیل متهم می‌تواند دلائل و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم بدانند، ارائه کند؛ به این معنا که در جریان تحقیقات وکیل می‌تواند از متهم دفاع کند. درحالی‌که در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ وکیل نمی‌توانست در امر تحقیق مداخله کند و فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می‌توانست دلائل و مطالب را ارائه کند. در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار فقط داشتن یک وکیل را در مرحله پیش‌دادرسی مجاز دانسته و تعدد وکلا را نپذیرفته است. در صورتی که در مرحله دادرسی این چنین نیست. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حق داشتن وکیل در مرحله بازجویی و تحت نظر منتفی بود و داشتن این حق بستگی به نظر قاضی داشت.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، هیچ ماده‌ای مبنی بر اعلام یا تفهیم داشتن وکیل توسط متهم از سوی بازپرس یا ضابطین وجود نداشت. اما تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴، در راستای حفظ حقوق متهم به این حق اشاره کرده است و مقرر می‌دارد: سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه و هشت می‌شود. این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود. در واقع علاوه بر اینکه نقش وکیل در مرحله دادرسی به رسمیت شناخته شده است، اعلام و تفهیم آن هم برای بازپرس تکلیف قانونی محسوب می‌شود. لازم است این حق در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد، باید این حق حضوراً به وی تفهیم شود. در صورتی که متهم حضور پیدا کرد، در احضاریه این حق چه اشاره شده باشد چه نشده باشد، حق مزبور به‌طور حضوری به وی تفهیم می‌شود و عدم تفهیم آن ضمانت اجرای سنگینی دارد. بازپرس نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف از تفهیم این حق به متهم خودداری کند.^۱

قبل از تصویب تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون مذکور، بدین شکل قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این تبصره را به نحو شایسته‌تری پیش‌بینی کرده بود که مطابق آن سلب حق

۱. خالقی، علی، *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴.

همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود؛ زیرا ضمانت‌اجرای بطلان تحقیقات یکی از سازوکارهای تضمین حقوق دفاعی متهم به شمار می‌آید و این امر در نظام‌های حقوقی مترقی دنیا پذیرفته و مقرر شده است. البته سلب حق همراه داشتن وکیل در مرحله رسیدگی و دادگاه به استناد تبصره ۲ ماده‌واحد انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام موجب فقدان اعتبار حکم صادره خواهد بود.

در نظام حقوقی فرانسه، داشتن وکیل در مراحل مختلف دادرسی یکی از نکات بسیار مثبت این نظام حقوقی است. این حق علی‌رغم مخالفت‌های ضابطین که اعتقاد دارند حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی، کشف حقیقت را به تأخیر خواهد انداخت، در راستای رعایت حقوق متهمین به رسمیت شناخته شده است.^۱ فرانسه یکی از کشورهای پیشتاز در زمینه شناسایی حقوق متهم محسوب می‌شود. زمانی که شخص متهم تحت تعقیب قرار گرفت، ضابطان باید محلی را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص متهم و وکیل وی قرار دهند و ضابطان نیز حق حضور و دخالت را نخواهند داشت. فلذا از اولین لحظات تحت‌نظر قرار گرفتن و متهم شدن به جرم، شخص حق انتخاب وکیل را داراست.^۲ در واقع شناسایی و تضمین حقوق دفاعی متهم، از جمله حق برخورداری از وکیل از همان لحظه‌ای که وی تحت تعقیب قرار می‌گیرد، مورد حمایت قرار گرفته است.^۳

در حقوق فرانسه، حق ملاقات با وکیل در برخی جرایم محدود گردیده است. در این زمینه ماده ۸۸-۷۰۶ آ.د.ک. فرانسه مقرر می‌دارد: «... با نقض مواد ۴-۶۳ و ۲-۴-۶۳ چنانچه شخص به دلیل یکی از جرایم مندرج در ماده ۷۳-۷۰۶ تحت‌نظر قرار گرفته باشد، مداخله وکیل می‌تواند با اتخاذ تصمیمی مبتنی بر شرایط خاص تحقیق، ناشی از جمع‌آوری یا بررسی دلایل، یا به دلیل پیشگیری از تعرض به اشخاص، برای حداکثر ۴۸ ساعت، و چنانچه جرم ارتكابی مربوط به بندهای ۳ یا ۱۱ ماده ۷۳-۷۰۶ باشد، برای حداکثر ۷۲ ساعت به تعویق افتد...». با توجه به عبارات ماده، تأخیر در حق ملاقات با وکیل جنبه الزام‌آور نداشته و تنها در صورت وجود دستور

1. Pradel, J. "La protection de la personne en France depuis les reformes de procedure penale en 1993", in *la Revue juridique Themis*, n1. 1995. P:169.

2. pradel j, "Les personnes suspects ou poursuivies après la loi du 15 juin 2000", *Dalloz*, 2001, N14. P:1115.

3. lazerges . ch.(2000)," Le Renforcement de la Presomption d'Innocence et les Droits des Victimes", *A.P.C.n* 22. P:70.

مقام قضایی این امر امکان‌پذیر است. ضمناً براساس مادهٔ مذکور، محرومیت از حق ملاقات با وکیل تا ۲۴ ساعت از اختیارات دادستان شهرستان است که می‌تواند رأساً یا با درخواست افسر پلیس قضایی تصمیم‌گیری نماید و برای مدت بیش از ۲۴ ساعت، از اختیارات قاضی آزادی‌ها و بازداشت که از نظر سلسله‌مراتب قضایی بالاتر از دادستان شهرستان است، می‌باشد که با درخواست دادستان شهرستان تصمیم‌گیری می‌نماید.^۱

درخصوص زمان شروع تحت نظر، در حقوق فرانسه این مرحله از زمان سلب آزادی شخص تحت نظر است و از لحاظ عملی، در موردی که وی به‌طور ارادی و بدون الزام مأمورین، نزد افسر پلیس قضایی حاضر می‌شود و اجباری برای ماندن وی در ادارهٔ پلیس نباشد، از زمان جلسهٔ استماع وی است.^۲

در این مرحله در حقوق فرانسه، در صورت عدم امکان انتخاب وکیل توسط شخص تحت نظر، پلیس مکلف است از طریق کانون وکلای محل، وکیلی را به درخواست شخص تحت نظر، برای او تعیین کند. در حقوق ایران با آنکه ماده ۴۸ حق استفاده از وکیل مدافع را با شروع تحت نظر پذیرفته است، متأسفانه اشاره‌ای به تعیین وکیل مدافع رایگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند، نکرده است.^۳

حق برخورداری از وکیل از یک طرف در راستای تأمین منافع متهم است و در روند رسیدگی به پرونده نقش مهمی دارد و از طرفی دیگر عدالت قضایی، ایجاب می‌کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد، در کنار متهم حضور پیدا کند و از این طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود.

۱. آشوری و سپهری، پیشین، ص ۵۱.

2. Guinchard, S, et Buisson, J., *procedure penale*. 8ed. Paris, 2012.

۳. ساقیان، پیشین، ص ۱۰۶.

نتیجه‌گیری

حقوق متهمان در پرتو اصل بنیادین برائت که اصل مهم و کلیدی است، تأمین خواهد شد. براساس این اصل، هیچ‌کس گناهکار نیست، مگر آنکه خلافش ثابت شود. این اصل در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. اصل برائت نقش مهم و کلیدی در تعیین سرنوشت متهم در دادرسی‌های کیفری دارد و یکی از نتایج مفید این اصل، تضمین حقوق دفاعی متهم است. در پرتو اصل برائت است که این حقوق دفاعی برای متهم تأمین و مورد تضمین قرار می‌گیرد و تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهم از موجبات دادرسی منصفانه است. از جمله مهم‌ترین این حقوق حق داشتن وکیل است. درواقع، یکی از معیارها و اصول دادرسی عادلانه، برخورداری متهم از وکیل در فرایند کیفری است که در قوانین داخلی ایران به آن اشاره شده است و هدف از آن ایجاد تساوی سلاح‌ها و برابری تسهیلات و امکانات و ایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه برای متهم است. در صورت عدم آشنایی متهم به علم حقوق ممکن است حق او در فرایند کیفری تضییع گردد. داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی، حقی اساسی در قوانین و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.

در طول نیم قرن گذشته، تحولات عمده‌ای در زمینه حقوق متهم رخ داده است بدیهی است قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز نمی‌تواند نسبت به این تحولات بی‌توجه باشد؛ زیرا رعایت موازین حقوق بشر درخصوص متهم، صدور احکام مبتنی بر عدالت را در دادگاه در پی خواهد داشت و هدف اصلی از تنظیم مقررات آیین دادرسی کیفری، اجرا و استقرار عدالت است و این هدف به مقصود نخواهد رسید، مگر آنکه عدالت نه تنها نسبت به قربانیان جرایم، بلکه نسبت به کلیه طرف‌ها، از جمله افرادی که به عنوان متهم در دادگاه حاضر می‌شوند، اعمال گردد. از جمله حقوقی که در نظام‌ها مورد تأیید و تأکید قرار گرفته، حق برخورداری از وکیل است. این موضوع به منظور تأمین منافع متهم است و در روند رسیدگی به پرونده نیز نقش مهمی دارد.

حق داشتن وکیل و تأمین ارتباط آزادانه با او شاخص‌ترین تضمین برای حقوق مظنون و متهم در منصفانه دادرسی است. حق داشتن وکیل در دادسرا و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق متهم تضمینی بسیار اساسی برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح در روند دادرسی کیفری است. دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم در برابر متهم بی‌دفاع قرار دارد و با حضور یک حقوق‌دان در کنار متهم تساوی

سلاح و دادرسی منصفانه تضمین می‌شود. تبصره یک ماده ۱۹۰ اصلاحی سال ۱۳۹۴ در راستای حفظ حقوق متهم به این حق اشاره دارد. این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود. درواقع علاوه بر اینکه نقش وکیل در مرحله دادرسی به رسمیت شناخته شده است، اعلام و تفهیم آن هم برای بازپرس تکلیف قانونی است. ضمناً این حق باید در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد، باید این حق حضوراً به وی تفهیم شود. عدم رعایت این حق موجب تخلف انتظامی برای مرجع رسیدگی‌کننده است؛ به نظر می‌رسد این ضمانت‌اجرا از قدرت کافی برخوردار نباشد، ضمن اینکه در صورت صدور رأیی علیه متهم برای وی کارآمد نخواهد بود؛ درحالی‌که مصوبه قبل از تصویب تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون اصلاحی مذکور مقررۀ مناسب‌تری بود و مطابق آن سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شد. ضمانت اجرای بطلان تحقیقات موثرتر و کارآمدتر است. این امر در نظام‌های حقوقی مترقی دنیا مانند فرانسه پذیرفته و مقرر شده است. علاوه بر آن، در نظام حقوقی فرانسه داشتن وکیل در کلیه مراحل مختلف دادرسی الزامی است و یکی از نکات بسیار مثبت این نظام حقوقی است و از زمانی که شخص متهم تحت تعقیب قرار گرفت، ضابطان باید محلی که کسی حق حضور در آنجا را ندارد، به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص متهم و وکیل وی قرار دهند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۰.
۲. آشوری، محمد، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. -----، *بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران: نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۴. امیدی، جلیل و محمد آشوری، *حقوق دفاعی متهم*، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
۵. خالقی، علی، *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۳.
۶. خزانی، منوچهر، *فرایند کیفری*، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۷.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۸. شاملو، باقر، *اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی*، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۹. فضائلی، مصطفی، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۰. طهماسبی، جواد، *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی، *اصول فقه*، تهران: نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۲. هاشمی، سید محمد، *بررسی انصاف و عدالت از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی*، جلد ۱، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۳. -----، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۳.

مقاله

۱۴. آشوری، محمد و روح‌اله و سپهری، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶
۱۵. اسماعیلیان، شاپور، استقلال وکیل شرط محاکمه عادلانه، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، ۱۳۸۶، شماره ۱۲.
۱۶. ساقیان، محمدمهدی، تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله دادرسی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۳، شماره ۶
۱۷. فرح بخش، مجتبی، مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۶ و ۵۷.
۱۸. قپانچی، حسام و حمید رضا دانش ناری، الگوهای دو گانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۹۱.
۱۹. علی‌اکبری، رستم، پدram کرمی و مجتبی کنجوری، بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۴.
۲۰. علیزاده طباطبایی، سید محمود، ترازوی عدالت با وکیل میزان می‌شود، روزنامه شرق، ۱۳۸۵.
۲۱. نیازپور، امیرحسین، سیاست جنایی بین المللی در زمینه حق بزه دیدگان برای داشتن وکیل در فرایند کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۱، ۱۳۸۹، شماره ۴۷.

پایان‌نامه

۲۲. پاک‌نیت، مصطفی، «جلوه‌های رفتار منصفانه نسبت به بزه دیده در مقررات دادرسی کیفری ایران و سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

۲۳. شفیع‌زاده، توحید، «مطالعه الگوهای دوگانه عدالت کیفری هربرت پارکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن الگوها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

۲۴. قنبری، حمیرا، «اصل براءت و اماره مجرمیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۲۵. مصباحی، کمال‌الدین، «حق بهره‌مندی از وکیل با تأکید بر مرحله دادرسی در پرتو اسناد حقوق بشری و مقایسه با حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

ب) منابع فرانسوی

Books

26. Guinchard, S, et Buisson, J., *procedure penale*. 8ed. Paris, 2012.

27. pradel j, *Les personnes suspects ou poursuivies après la loi du 15 juin 2000*, Dalloz, 2001, N14.

Articles

28. lazerges . ch. *Le Renforcement de la protection de la Presomption d'Innocence et les Droits des Victimes*, in la Revue de Science Criminelle et de Droit Pénal Comparé Année : 2001 Pradel, J. La.

29 *protection de la pesonne en France depuis depuis les reformes de procedure penale en 1993*, in. la Revue juridique Themis, n1. 1995.

